

شعر کلاسیک

کجاوه سخن

کتاب «کجاوه سخن» گزیده نظم و نثر پارسی به گزینش اسدالله بقایی نائینی، پژوهشگر و کارشناس ادبی، از سوی انتشارات سوره مهر چاپ و منتشر شده است. این اثر در ۴ فصل گردآوری شده و اسدالله بقایی در جایگاه گردآورنده این اثر معتقداست با کجاوه سخن سعی بر جمع آوری و تلخیص اشعار و غزل‌واره‌های فارسی، آثار برحالات شعرای کهن، معاصر و نوپرداز در جهت حفظ این آثار دارد. در فصل اول این اثر، به ادبیات شعر، فرهنگ واژه‌ها و اصطلاح شعر، انواع سبک‌های شعر، تأثیر شعر و زبان عرب بر شعر و زبان پارسی پرداخته می‌شود. در فصل دوم هم ششم‌ای از اشعار ۱۱۰ شاعر شعر کهن کهن مانند رودکی، حکیم ناصر خسرو قبادیانی، حکیم عمر خیام نیشابوری، سعدی شیرازی، مولانا، حافظ شیرازی، بابا طاهر عریان، هاتف اصفهانی نمونه‌های برجسته‌ای انتخاب و ارائه شده‌است. گردآورنده اثر در مورد ۱۱۰ شاعر کهن یادآوری کرده، ایشان ده تن هستند در یک تن و نمی‌توان تمایزی بین آنها قائل شد. در فصل سوم کتاب هم آثاری از ۱۵ شاعر نوپرداز بیان شده است که با اشعار لطیف بر روح خوانندگان اثر می‌گذارند و به تعبیری بر دل می‌نشینند. همچنین در فصل چهارم کتاب، غزل‌واره‌های نثر فارسی با ۶۶عنوان، اثر و تجربیات شاخص شاعران چون تاریخ بیهقی، تاریخ طبری، سفرنامه ناصر خسرو، قابوسنامه، کیمیای سعادت، تذکره الاولیاء، چهار مقاله، جامع التواریخ، گلستان سعدی، مقامات سعدی، تاریخ سیستان، مقالات جلال ال احمد، مناجات‌نامه خواجه عبدالله انصاری و کشف‌الاسرار میبیدی گردآوری و ارائه شده است.

شعر فارسی واژه‌نامه شعر بیدل

کتاب «واژه‌نامه شعر بیدل» اثر اسدالله حبیب، بیدل شناس معروف به اهتمام سیدمهدی طباطبایی سه‌میه و از سوی انتشارات سوره مهر چاپ و منتشر شده است. این کتاب، فرهنگ‌نامه‌ای تخصصی است

که طبق فهرست الفبایی و شواهد شری، به پاره‌ای از واژگان، ترکیبات و تعبیرات بیدل پرداخته است. در بخشی از مقدمه کتاب آمده است: «دست اندر کاران چاپ دوم واژه‌نامه شعر بیدل به آن امید هستند که چاپ این کتاب که در حقیقت برافروختن شمع‌ی شناخت رزم وراز و تابناکی فضای فارسی‌دانشگاه کابل، گامی به جلو در عرصه بیدل‌پژوهی باشد و بتوانند-به اندازه چند گام- راه رسیدن بر فراز کوه و کتل بیدل را هموار سازد.» بیدل در افغانستان طرفداران بسیاری دارد و بیدل خوانی در میان توده‌ای از مردم معمول بوده است و اکنون هم کانون‌هایی وجود دارد که کارشان آشنایی با بیدل و بیدل شناسی است. نویسنده کتاب واژه‌نامه شعر بیدل، اسدالله حبیب، نویسنده شعر و استاد ادبیات فارسی دانشگاه کابل و بیدل شناس به‌تازگی در ۸۱ سالگی در هامبورگ آلمان درگذشت. «وداع با تاریکی»، «آتش در ترازنج»؛ «سه مزدور»، «آخرین آرزو»، «کشف بزرگ»، «پایان هم بزرگ»، «سیداندام»، «داس‌ها و دست‌ها»، «نظر گل»، «سواحل گنگا»، «شب‌ها ارواح می‌آیند»، «فجرا»، «بیدل شاعر زمانه‌ها»، «راه گورکی» و… از جمله آثار اوست.

شعر معاصر

سلمان هراتی

کتاب «سلمان هراتی» به قلم علی تقوی، به ابعاد مختلف زندگی و شعر سلمان هراتی، این شاعر نامدار معاصر می‌پردازد. این اثر که در مجموعه «شخصیت‌های مانا» قرار دارد، مطالبی تحقیق‌شده را درباره شعر و هنر و زندگی این شخصیت ادبی معاصر در نظر است. علی تقوی در دهمین جلد

مجموعه شخصیت‌های مانا، پژوهشی مفصل را درباره زندگی این شاعر فقید به علاقه‌مندان ادبیات فارسی معاصر ارائه می‌دهد. او در فصل‌هایی جداگانه از تخیل، عاطفه، زبان، موسیقی و فرم آثار هراتی و همچنین زندگی او سخن می‌گوید. سلمان هراتی در فروردین ۱۳۳۸ در تنکابن چشم به جهان گشود. او مدتی که فوق‌دیپلم خود را در رشته هنر دریافت کرد و پس از آن به تدریس در یکی از روستاهای لنگرود پرداخت. هراتی در شعر تخلص «آزباد» و برای خود برگزیده بود و اشعار او در طول عمر کواشش در چندین کتاب گردآوری شده‌اند. «از آسمان سبز»، «دری به خانه خورشید» و مجموعه شعری برای کودکان با نام «از این ستاره به آن ستاره» عناوین آثار این شاعر پرآوازه روزگار ما هستند. ردپای مضامینی همچون انقلاب اسلامی، جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، غرب‌ستیزی و نکوشش مدرنیته در آثار سلمان هراتی پررنگ و غیرقابل انکار است. او در قالب‌های مختلف شعری از غزل تا شعر سبید به بیان این مضامین پرداخته است و در سرایش آثار خود از اشعار شاعران بزرگی همچون فروغ فرخ‌زاد و سهراب سپهری و همچنین همنشینی با دیگر شاعران معاصر از جمله قیصر امین پور و سیدحسن حسینی بهره گرفته است.

آزاسته سلمی تویقرا

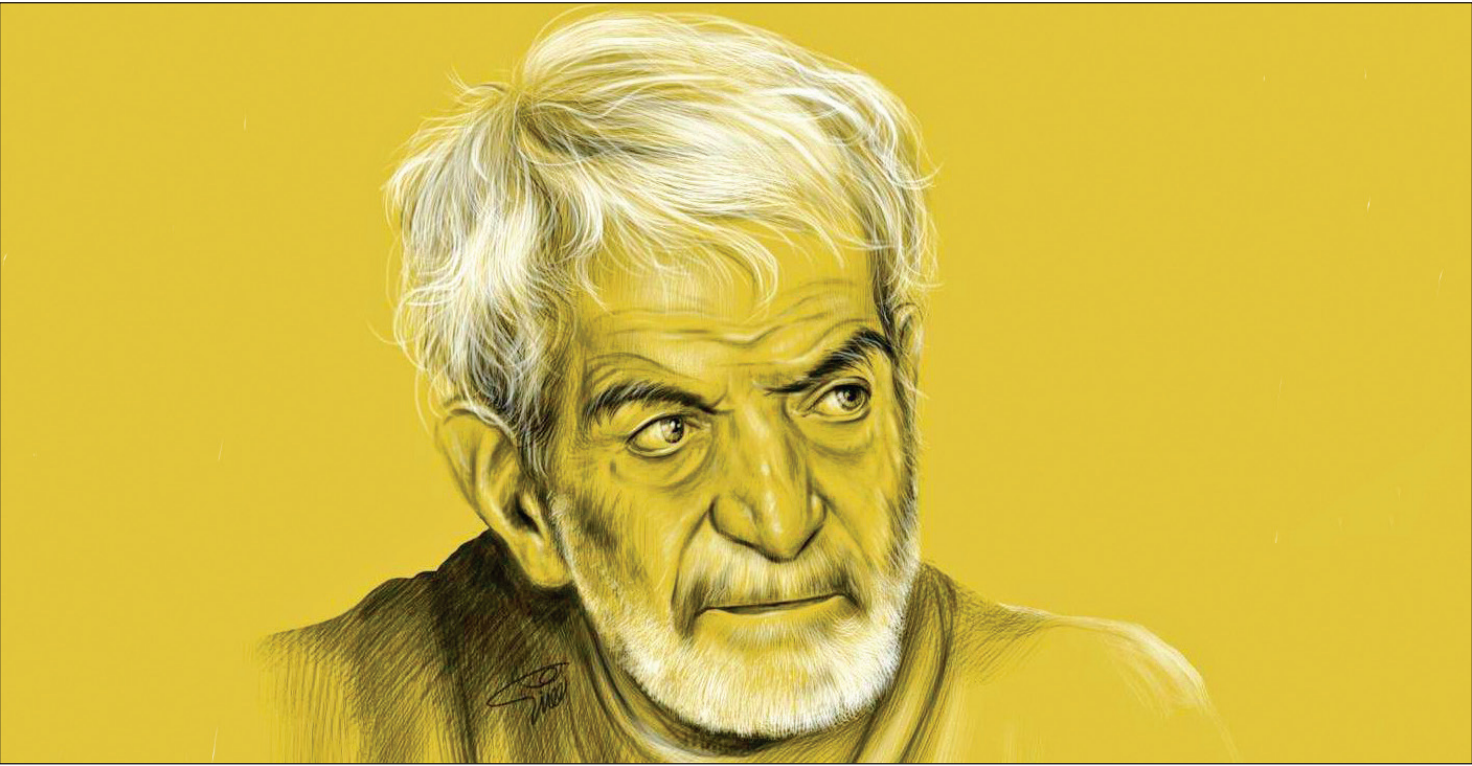
پرواژه می‌گذشت که علاوه بر استادی در سرودن شعر فارسی، به زبان مادری – ترکی – هم آثار درخشانی از خود به یادگار گذاشته بود. منزوی همه ارادت خود به شهریار و آثار دل‌انگیزش را در قالب کتابی با عنوان «این تُرک پارسی‌گوی» تألیف و منتشر کرد. در آن زمان (سال ۱۳۷۲) انتشارات «پرگ» که ناشر کتاب‌های حوزه هنری بود، چاپ اول این کتاب را در تیراژ ۵۵۰۰ نسخه منتشر کرد که مورد علاقه‌مندان به شعر و شاعری به‌ویژه دو چهره نامدار در شعر معاصر – شهریار و منزوی – که نامشان روی جلد کتاب خودنمایی می‌کرد قرار گرفت و خیلی زود این اثر، تا یاب شد. سال‌ها گذشت و از تجدیدچاپ کتابی که منزوی درباره شعر شهریار نوشته بود خبری نبود تا اینکه با گذشت حدود سه دهه، امسال «این تُرک پارسی‌گوی» با تصحیح و ویرایش تازه از سوی انتشارات سوره مهر تجدید چاپ شد؛ این بار در زمانی که حسین منزوی هم مانند شهریار، چهره در نقاب خاک کشیده و کتاب «این تُرک پارسی‌گوی» به عنوان اثری از سلطان غزل معاصر – منزوی – در ارادت به شاعر شیدایی و شیوایی – شهریار – به یادگار مانده است.

نسخه جدیدی که از کتاب «این تُرک پارسی‌گوی» اخیراًمنتشر شده‌قابل مقایسه‌با نسخه قدیمی نیست. با اینکه محتوای کتاب، همان است که زنده‌یاد حسین منزوی در زمان حیات خود تألیف کرده و به دست ناشر سیرده است اما اغلاط و سهل‌انگاری‌های چاپی در نسخه قبلی چنان بود که گاه خواننده را آزار می‌دهد که این‌همه بی‌دقتی در چاپ و نشر کتابی که ماحصل سال‌ها توجیه، تمرکز، فیش‌برداری، تألیف و کلا وقت‌گذشتن شاعر بزرگی چون حسین منزوی بر آثار شاعر افسانه‌ای روزگار ما، شهریار محسوب می‌شود، واقعاً نابخشودنی است اما خوشبختانه نسخه جدیدی که بعداز سال‌هاانتظار علاقه‌مندان این کتاب منتشر و در بازار کتاب ایران توزیع شده، همان است که انتظار می‌رفت: آن هم از کتابی که به قلم یکی از شاعران توانا در نثر و زبان درباره شاعر دیگری که شهرت و محبوبیت فراوان دارد، نوشته شده و می‌تواند سال‌های سال به‌عنوان یک اثر خواندنی در میان علاقه‌مندان به شعر معاصر به یادگار بماند.

اصلاح اغلاط و سهل انگاری‌های چاپی

برای تجدید چاپ کتاب «این تُرک پارسی‌گوی» دو فعال فرهنگی در حوزه شعر، بهروز منزوی، برادر حسین منزوی و غلامرضا طربقی، شاعر غزل‌سرای معاصر پا پیش گذاشته‌اند و بعد از سال‌ها ناپایی اثری که همچنان خوانندگان بسیاری دارد آن انتشارات سوره مهر سره‌داند تا مراحل تصحیح و ویرایش مجدد با بهره‌گیری از مهارت اهالی فن، پیگیری و کتاب، در شمایل شایسته به دست چاپ سپرده شود. بهروز منزوی در بخش «پیش‌درآمد» کتاب با اشاره به رویکرد و اهدافی که در پس رجوع دوباره به کتاب «این تُرک پارسی‌گوی» که منجر به تصحیح، ویرایش مجدد و تجدید چاپ اثر شده است، به نکات قابل توجه دیگری هم اشاره می‌کند: به دیدار آنتشارت منزوی و استاد شهریار و عکس‌امضاشده آن دیدار که همچنان قاب‌شده، در خانواده منزوی نگهداری می‌شود؛ عکسی از «شهریار» که مان را سال‌هاست پس‌رم -ایلپا- قالب کرده و بر دیوار اتاقش آویخته است که «استاد» آن را در تاریخ خرداد۱۳۴۶ (برای «شاعر جوان ، آقا [حسین] منزوی» امضا کرده است. بسیاریان بار از خود پرسیده‌ام در آن دقایق که افسانه و تاریخ در هم آمیخته می‌شد، آیا هیچ‌یک از آن دو مرد بسه کتابی که اکنون پیش روی ماست اندیشیده بودند؟ سئوالی افسانه‌ای که تاریخ بدان جواب نمی‌دهد و پرسشی تاریخی که شاید افسانه پاسخ آن را ب‌داند! به هر روی «شهریار» به روایت «منزوی» اینک در نظر گاه شماس‌ت، کتابی که به‌واقع نایاب بود و عرضه مجدد آن به دوستان شعر و دوستداران این دو شاعر، ضرورتی وظیفه‌وار شمرده می‌شد و اکنون چنین شده است.

وی در ادامه به ضرورت ویرایش مجدد اثر، اشاره و یادآوری می‌کند صورت نخست این کتاب پر از اغلاط و سهل‌انگاری‌های چاپی بود که اکنون اصلاح شده است. برخی از پاره‌های اشعار استفاده‌شده در متن را-چه از شهریار و چه از دیگران- که از قلم افتاده بود با رجوع به منابع اصلی یافتیم و در جای خود نهادم و بعضاً توضیحاتی را که به نظر لازم می‌آمد بر پانویس آوردیم. این پانویس‌ها با نشانه (ب-م) مشخص شده‌اند و روشن است که بقیه پانویس‌ها از نویسنده کتاب است.



ارادت سلطان غزل به شاعر شیدایی

کتاب «این تُرک پارسی‌گوی» که اخیراً تصحیح و تجدید چاپ شده، نگاه حسین منزوی به شعر شهریار است

حود سه دهه قبل که زنده‌یاد حسین منزوی، شاعر نام‌آشنای معاصر در قید حیات بود و تنها پانزده سال از درگذشت استاد محمدحسین شهریار، شاعر پر آواژه می‌گذشت که علاوه بر استادی در سرودن شعر فارسی، به زبان مادری – ترکی – هم آثار درخشانی از خود به یادگار گذاشته بود. منزوی همه ارادت خود به شهریار و آثار دل‌انگیزش را در قالب کتابی با عنوان «این تُرک پارسی‌گوی» تألیف و منتشر کرد. در آن زمان (سال ۱۳۷۲) انتشارات «پرگ» که ناشر کتاب‌های حوزه هنری بود، چاپ اول این کتاب را در تیراژ ۵۵۰۰ نسخه منتشر کرد که مورد علاقه‌مندان به شعر و شاعری به‌ویژه دو چهره نامدار در شعر معاصر – شهریار و منزوی – که نامشان روی جلد کتاب خودنمایی می‌کرد قرار گرفت و خیلی زود این اثر، تا یاب شد. سال‌ها گذشت و از تجدیدچاپ کتابی که منزوی درباره شعر شهریار نوشته بود خبری نبود تا اینکه با گذشت حدود سه دهه، امسال «این تُرک پارسی‌گوی» با تصحیح و ویرایش تازه از سوی انتشارات سوره مهر تجدید چاپ شد؛ این بار در زمانی که حسین منزوی هم مانند شهریار، چهره در نقاب خاک کشیده و کتاب «این تُرک پارسی‌گوی» به عنوان اثری از سلطان غزل معاصر – منزوی – در ارادت به شاعر شیدایی و شیوایی – شهریار – به یادگار مانده است.

نسخه جدیدی که از کتاب «این تُرک پارسی‌گوی» اخیراًمنتشر شده‌قابل مقایسه‌با نسخه قدیمی نیست. با اینکه محتوای کتاب، همان است که زنده‌یاد حسین منزوی در زمان حیات خود تألیف کرده و به دست ناشر سیرده است اما اغلاط و سهل‌انگاری‌های چاپی در نسخه قبلی چنان بود که گاه خواننده را آزار می‌دهد که این‌همه بی‌دقتی در چاپ و نشر کتابی که ماحصل سال‌ها توجیه، تمرکز، فیش‌برداری، تألیف و کلا وقت‌گذشتن شاعر بزرگی چون حسین منزوی بر آثار شاعر افسانه‌ای روزگار ما، شهریار محسوب می‌شود، واقعاً نابخشودنی است اما خوشبختانه نسخه جدیدی که بعداز سال‌هاانتظار علاقه‌مندان این کتاب منتشر و در بازار کتاب ایران توزیع شده، همان است که انتظار می‌رفت: آن هم از کتابی که به قلم یکی از شاعران توانا در نثر و زبان درباره شاعر دیگری که شهرت و محبوبیت فراوان دارد، نوشته شده و می‌تواند سال‌های سال به‌عنوان یک اثر خواندنی در میان علاقه‌مندان به شعر معاصر به یادگار بماند.

نسخه جدیدی که از کتاب «این تُرک پارسی‌گوی» اخیراًمنتشر شده‌قابل مقایسه‌با نسخه قدیمی نیست. با اینکه محتوای کتاب، همان است که زنده‌یاد حسین منزوی در زمان حیات خود تألیف کرده و به دست ناشر سیرده است اما اغلاط و سهل‌انگاری‌های چاپی در نسخه قبلی چنان بود که گاه خواننده را آزار می‌دهد که این‌همه بی‌دقتی در چاپ و نشر کتابی که ماحصل سال‌ها توجیه، تمرکز، فیش‌برداری، تألیف و کلا وقت‌گذشتن شاعر بزرگی چون حسین منزوی بر آثار شاعر افسانه‌ای روزگار ما، شهریار محسوب می‌شود، واقعاً نابخشودنی است اما خوشبختانه نسخه جدیدی که بعداز سال‌هاانتظار علاقه‌مندان این کتاب منتشر و در بازار کتاب ایران توزیع شده، همان است که انتظار می‌رفت: آن هم از کتابی که به قلم یکی از شاعران توانا در نثر و زبان درباره شاعر دیگری که شهرت و محبوبیت فراوان دارد، نوشته شده و می‌تواند سال‌های سال به‌عنوان یک اثر خواندنی در میان علاقه‌مندان به شعر معاصر به یادگار بماند.

نسخه جدیدی که از کتاب «این تُرک پارسی‌گوی» اخیراًمنتشر شده‌قابل مقایسه‌با نسخه قدیمی نیست. با اینکه محتوای کتاب، همان است که زنده‌یاد حسین منزوی در زمان حیات خود تألیف کرده و به دست ناشر سیرده است اما اغلاط و سهل‌انگاری‌های چاپی در نسخه قبلی چنان بود که گاه خواننده را آزار می‌دهد که این‌همه بی‌دقتی در چاپ و نشر کتابی که ماحصل سال‌ها توجیه، تمرکز، فیش‌برداری، تألیف و کلا وقت‌گذشتن شاعر بزرگی چون حسین منزوی بر آثار شاعر افسانه‌ای روزگار ما، شهریار محسوب می‌شود، واقعاً نابخشودنی است اما خوشبختانه نسخه جدیدی که بعداز سال‌هاانتظار علاقه‌مندان این کتاب منتشر و در بازار کتاب ایران توزیع شده، همان است که انتظار می‌رفت: آن هم از کتابی که به قلم یکی از شاعران توانا در نثر و زبان درباره شاعر دیگری که شهرت و محبوبیت فراوان دارد، نوشته شده و می‌تواند سال‌های سال به‌عنوان یک اثر خواندنی در میان علاقه‌مندان به شعر معاصر به یادگار بماند.

نسخه جدیدی که از کتاب «این تُرک پارسی‌گوی» اخیراًمنتشر شده‌قابل مقایسه‌با نسخه قدیمی نیست. با اینکه محتوای کتاب، همان است که زنده‌یاد حسین منزوی در زمان حیات خود تألیف کرده و به دست ناشر سیرده است اما اغلاط و سهل‌انگاری‌های چاپی در نسخه قبلی چنان بود که گاه خواننده را آزار می‌دهد که این‌همه بی‌دقتی در چاپ و نشر کتابی که ماحصل سال‌ها توجیه، تمرکز، فیش‌برداری، تألیف و کلا وقت‌گذشتن شاعر بزرگی چون حسین منزوی بر آثار شاعر افسانه‌ای روزگار ما، شهریار محسوب می‌شود، واقعاً نابخشودنی است اما خوشبختانه نسخه جدیدی که بعداز سال‌هاانتظار علاقه‌مندان این کتاب منتشر و در بازار کتاب ایران توزیع شده، همان است که انتظار می‌رفت: آن هم از کتابی که به قلم یکی از شاعران توانا در نثر و زبان درباره شاعر دیگری که شهرت و محبوبیت فراوان دارد، نوشته شده و می‌تواند سال‌های سال به‌عنوان یک اثر خواندنی در میان علاقه‌مندان به شعر معاصر به یادگار بماند.

نسخه جدیدی که از کتاب «این تُرک پارسی‌گوی» اخیراًمنتشر شده‌قابل مقایسه‌با نسخه قدیمی نیست. با اینکه محتوای کتاب، همان است که زنده‌یاد حسین منزوی در زمان حیات خود تألیف کرده و به دست ناشر سیرده است اما اغلاط و سهل‌انگاری‌های چاپی در نسخه قبلی چنان بود که گاه خواننده را آزار می‌دهد که این‌همه بی‌دقتی در چاپ و نشر کتابی که ماحصل سال‌ها توجیه، تمرکز، فیش‌برداری، تألیف و کلا وقت‌گذشتن شاعر بزرگی چون حسین منزوی بر آثار شاعر افسانه‌ای روزگار ما، شهریار محسوب می‌شود، واقعاً نابخشودنی است اما خوشبختانه نسخه جدیدی که بعداز سال‌هاانتظار علاقه‌مندان این کتاب منتشر و در بازار کتاب ایران توزیع شده، همان است که انتظار می‌رفت: آن هم از کتابی که به قلم یکی از شاعران توانا در نثر و زبان درباره شاعر دیگری که شهرت و محبوبیت فراوان دارد، نوشته شده و می‌تواند سال‌های سال به‌عنوان یک اثر خواندنی در میان علاقه‌مندان به شعر معاصر به یادگار بماند.

مشائق من طرفه‌هایی در آستین داشته است. اگر در بیست‌سالگی غزل‌های عاشقانه‌اش را دوست داشتم و در سی‌سالگی «ای وای مادرم» او را می‌پسندیدم و در چهل‌سالگی، با «هذیان دل»ش در آفاق شور و حال پر می‌نشودم، امروز در عین حال که تمامی آن شعرها را که سوگلی‌های بیست‌سالگی و سی‌سالگی و چهل‌سالگی‌ام بوده‌اند، دوست می‌دارم. با غزل‌های جالفتاده پیرانه‌سرش خلوت می‌کنم و دیوان و دفتر او از کتاب‌های بالینی من است.

مشائق من طرفه‌هایی در آستین داشته است. اگر در بیست‌سالگی غزل‌های عاشقانه‌اش را دوست داشتم و در سی‌سالگی «ای وای مادرم» او را می‌پسندیدم و در چهل‌سالگی، با «هذیان دل»ش در آفاق شور و حال پر می‌نشودم، امروز در عین حال که تمامی آن شعرها را که سوگلی‌های بیست‌سالگی و سی‌سالگی و چهل‌سالگی‌ام بوده‌اند، دوست می‌دارم. با غزل‌های جالفتاده پیرانه‌سرش خلوت می‌کنم و دیوان و دفتر او از کتاب‌های بالینی من است.

مشائق من طرفه‌هایی در آستین داشته است. اگر در بیست‌سالگی غزل‌های عاشقانه‌اش را دوست داشتم و در سی‌سالگی «ای وای مادرم» او را می‌پسندیدم و در چهل‌سالگی، با «هذیان دل»ش در آفاق شور و حال پر می‌نشودم، امروز در عین حال که تمامی آن شعرها را که سوگلی‌های بیست‌سالگی و سی‌سالگی و چهل‌سالگی‌ام بوده‌اند، دوست می‌دارم. با غزل‌های جالفتاده پیرانه‌سرش خلوت می‌کنم و دیوان و دفتر او از کتاب‌های بالینی من است.

مشائق من طرفه‌هایی در آستین داشته است. اگر در بیست‌سالگی غزل‌های عاشقانه‌اش را دوست داشتم و در سی‌سالگی «ای وای مادرم» او را می‌پسندیدم و در چهل‌سالگی، با «هذیان دل»ش در آفاق شور و حال پر می‌نشودم، امروز در عین حال که تمامی آن شعرها را که سوگلی‌های بیست‌سالگی و سی‌سالگی و چهل‌سالگی‌ام بوده‌اند، دوست می‌دارم. با غزل‌های جالفتاده پیرانه‌سرش خلوت می‌کنم و دیوان و دفتر او از کتاب‌های بالینی من است.

مشائق من طرفه‌هایی در آستین داشته است. اگر در بیست‌سالگی غزل‌های عاشقانه‌اش را دوست داشتم و در سی‌سالگی «ای وای مادرم» او را می‌پسندیدم و در چهل‌سالگی، با «هذیان دل»ش در آفاق شور و حال پر می‌نشودم، امروز در عین حال که تمامی آن شعرها را که سوگلی‌های بیست‌سالگی و سی‌سالگی و چهل‌سالگی‌ام بوده‌اند، دوست می‌دارم. با غزل‌های جالفتاده پیرانه‌سرش خلوت می‌کنم و دیوان و دفتر او از کتاب‌های بالینی من است.

مکتب ام‌لیلا فراخانی

مروری بر کتاب «چیزی شبیه ابر» سروده حبیب‌الله بخشوده

مثل کبوتری که پر از شور زندگی‌ست

کتاب شعر «چیزی شبیه ابر» سروده حبیب‌الله بخشوده از مجموعه‌های به‌یادماندنی در سال‌های اخیر است که اشعاری با مضامین ایثار، شهادت، مقاومت و پایداری دارد؛ مضامینی که در سال‌های اخیر با رشد چشمگیری مواجه بوده و توسط شاعران نوگرای معاصر، دستمایه خلق آثاری ماندگار شده است.

حبیب‌الله بخشوده در کتاب «چیزی شبیه ابر»، ۴۸قطعه شعر در قالب‌های آزاد، طرح، غزل و رباعی ارائه داده که مضمون مشترک آنها، همان مفاهیم یادشده است. کتاب با شعری با عنوان «باران آهن» شروع می‌شود که شاعر آن را به ایلام تقدیم کرده و به ایاد روزهای آژیر و بمب سروده است: «آن روزهای سرد و کولاکلی /باران خوب من /عاشیق‌ترین بودند/الاله‌های سوخته بر شانه‌های دشت/ روشن‌ترین شمع زمین بودند/ آن روزها/ در عمق چشم کودکان ما/ فانوسی از فریاد روشن بود/ باران آهن بود…» لطافت طبع شاعر در آمیختگی با نمادها و نشانه‌های آشنا از یک دوران سپری شده در گذشته‌نه چندان دور، حس و حال روشنی از احساس‌های دوست‌داشتنی از یک برهه حساس تاریخی را به نمایش می‌گذارد. البته

شاعر در ادامه این شعر نگاه نوستالژیک به گذشته دارد و نگاه او بسه «آن روزها»، آمیخته با حسرت و دریغ است: «…باران خوب من / شعر بهار ورود را هر صبح می‌خواندند/ آن روزها رفتند/ با این همه / باران من عاشق‌ترین ماندند.» در شعرهای بعدی کتاب هم، همین مضمون به شکل‌های مختلف دستمایه سروده‌های شاعر قرار می‌گیرد و او هر بار از زاویه‌ای متفاوت و نو به این موضوع می‌پردازد. از نگاه شاعر، سال‌های گذشته (دوران دفاع مقدس) از ظرفیت بالای خصلت‌های والایی انسانی برخوردار است و با تنفس در آن فضا، در این زمانه هم سال‌های جنگ، همواره تداعی‌کننده خشونت‌های ناشی از پدیده جنگ و پیامدهای ناگوار آن است اما شاعر در این شعرها به برجسته‌سازی خصلت‌های نیک انسانی هنگام مواجهه با زشتی‌های جنگ، شکوه رفتارهای روح‌نواز انسانی در آن دوران را یادآوری می‌کند.

از نظر شاعر، حذف فیزیکی آدم‌ها در آن ایام، به نوعی عروج آنها محسوب می‌شده که پرواز روح آدمی را در پی داشته است؛ این نوع نگرش که ریشه در باورهای دینی دارد و همواره با یک نگاه آسمانی به پدیده‌های شاعرانه است که در دوران شکوهمند دفاع مقدس شهریار را جوشش دیوانه‌وار و بی‌مهار بغض و اشک و غربت می‌داند و می‌نویسد: گمان می‌کنم که اگر نه ماعنی که دست‌کم بخش عظیمی از این شعر، حاصل بیخودی شاعرانه پسری است که ناگاه پشتش از یک تکیه‌گاه مطمئن عاطفی، خالی شده است. صدای شاعر در تمامی شعرها، حتی آنجا که از شکوه زندگی قمیم خانواده یاد می‌کند، بغض‌آلود آمیخته به‌گره‌به‌است. صمیمیت، روح‌اصلی این شعر است. شاعر که در بیشتر شعرهایش نیز صمیمی ساده‌با مسائل روزمره و بی‌شور، با وجود این شعر، نهایت صمیمیت خود را در بر خورده با صمیمیت نشان می‌دهد. این صمیمیت انچنان شعر را می‌آکند که سایر روابط شاعر با شعر را به‌تمامی تحت شعاع خود می‌آورد. در «ای وای مادرم»، صمیمیت، تپندهای می‌کند، می‌گرید، به یاد می‌آورد، به خاک می‌سپارد، می‌گشت آسمان که بگوید به مغز من / دنیا به پیش چشم گنجه‌کار من / سیاه‌اوز هر شکاف و رخنه ماشین غریب‌یاد/ فک ناله ضعیف هم از بی‌دوان‌دوان / می‌آمد و به مغز من حمله می‌خورد؛ / تنها شدی بسرا / باز / آدمم به خانه، چه هستی انگفتی / ادیم نشسته مثل همیشه کنار حوض / پیرهان پلید مرا باز نشسته بود / انگار خنده کرد، ولی دل شکسته بود؛ / بر دی مرا به گور سپردی و آمدی؟ / تنها نمی‌گذارت اما / بی‌نوا پسرا! / می‌خواستیم به خنده در آیم ز شازده‌م خیال بودای وای مادر ما!

عبارت دیگر، پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر کنش‌ها و مولفه‌های فرهنگی باعث شد تا مبانی فکری غربی‌سازی که در دوران طاغوت به‌عنوان بستر مناسب پیشروی شعر نو، عاملی تمهیدکننده و تسریع‌کننده بود، تغییر یابد و از سرعت و شتاب نوگرایی بی‌رویه در شعر کاسته شود. شاید بتوان گفت انقلاب اسلامی، نوگرایی در شعر و جریان شعر نو را در بستر معقول و منطقی خود انداخت و دامنه گسست و تفریق شاعران را کمتر کرد و به نوعی دو نخله شعری نو و سنتی را به هم پیوند زد.

حبیب‌الله بخشوده، در کتاب «چیزی شبیه ابر»، مضمون مورد نظرش را در شکل‌ها و قالب‌های گوناگون به مخاطبان امروزی عرضه می‌کند. زبان روایتی آمیخته با ایجاز، از ویژگی‌های اغلب شعرهای بخشوده است: «روی تپه ایستادی / زرد را که وصله تنت بود / یاد برد / هوای برفشه کردی / اشبنم مهتاب نوشیدی / او گزیده‌تر از قطره‌ای روشن / در خاک فرو رفتی / تشا بهار آینده» بخشوده، در بیشتر شعرهایش به‌دنبال دستیابی به یک زبان واحد برای سرودن از دغدغه‌های شخصی خود است. او مانند مسافری که از کاروانیان جا مانده است، هر گاه فرصتی می‌یابد از لذت همسفری و همنشینی با کاروانیانی که او را در این کره خاکی جا گذاشته‌اند، می‌سراید.

گاه این مضمون را در قالب شعر نو می‌ریزد و گاه از قالب غزل برای بیان احساس‌هایش استفاده می‌کند: «رقیم» و دل به ساحل دریا گذاشتم / این قوی پر شکسته چه تنها گذاشتم / مثل کبوتری که پر از شور زندگی‌ست / بی‌مادری من / ناگاه، چضه‌ای که به هم زد سکوت مرگ / من می‌دویدم از وسط قیرها برون / او بود و سر را به ناله بر آورده از مفاک / خود را به ضعف از بی من باز می‌کشید / دیوانه و مریده، دویدم به ایستگاه / خود میشیخه در آخرین نگاه: / باز آن سفیدپوش و همان کوشش و تلاش / چشمان نیمه‌باز: / از من جدا شو! / می‌آمدیم و کله من گنج و منگ بود / انگار جیوه در ختی با یک تصویر شاعرانه همراه است: «نیستی / هم در راستای مضمون اصلی کتاب است. همچنین این رویکرد در سرودن اشعاری با قالب رباعی هم تکرار شده است.

بخش پایانی کتاب ر ا رباعی شکل داده که در آنها هم استفاده شاعر به گوش می‌رسد: «آتش زده‌ام به نای سردم چون نی / هم تاله کوچه گردم چون نی / در غربت دلگیر خزان شب همه شب / یا یاد تو استغاثه کردم چون نی» در مجموع، شعرهای کتاب «چیزی شبیه ابر»، حاصل نگاه شاعرانه حبیب‌الله بخشوده به حماسه‌آفرینی در سال‌های دفاع مقدس است که یاد شهیدان آن همواره در یادها می‌ماند.